

محوریت ایران و شهادت تاریخی

امیرفیض- حقوقدان

جاوید ایران

نوشته ای درباره آقای خسرو معتضد ارسال داشته اید که باتشکر، توضیح زیرا به آن حاشیه مینمایم.

اظهارات نسبت داده شده به آقای معتضد دریاورهای فکری و اعتقادی ایرانیان به شاه یک امر نظری نیست که قابل بحث و یا رد باشد. آقای معتضد نقل قول و منتقل کننده شهادت هاست، و از نظر فلسفی هرکس حدیثی و یا شهادتی را از دیگران نقل کند نه امتیازی و نه ایرادی بر اوست.

وفاداری و احساسهای روحی ایرانیان به «شاه» نقش یافته در فرهنگ ما ایرانیان است. از اشعار شعرای بزرگ ما، در تحقیقات مورخین ایرانی و خارجی و در الواح تاریخی کاملاً نمایان است که تصور نمیکنم نیازی به ارائه آن طومار عظیم باشد.

علمای بزرگ اهل تشیع، امامیه بطور کلی، و بدون استثناء «شاه» را مقامی مقدس و قابل احترام دانسته اند حتی همین خمینی هم در کتابش نوشته که «علمای شیعه هیچگاه با اساس سلطنت مخالف نبوده اند»

شاه در اسلام همان موقعیتی را نزد مردم دارد که پیامبر دارد، مگر میشود گرایشهای روحی و وفاداری مسلمانان را به محمد انکار کرد؟ فردوسی در شاهنامه گرایشهای اعتقادی و وفاداری و اطاعت آمیز بین «محمد» و «شاه» را یکسان و هماهنگ بیان کرده است.

تنها آخوندی که در طول حیات مذهب تشیع با سلطنت و شاه به مخالفت برخاست شخص خمینی بود که در مسیری حرکت کرد که نه فلسفه تشیع و نه اسلام آنرا اجازه داده بود.

اسلام میگوید: شاه اولی الامر است و اطاعت از او لازم است و شاه باید به قانون خدا رفتار کند.

ولی تشیع میگوید که شاه باید به فتوای مراجع تقلید عمل کند.

تشیع میگوید: **مراجع تقلید حاکم بر مردم هستند و شاه حاکم بر کشور است.** و در عبارت دیگر تشیع سلطنت بر مردم را حق مراجع و سلطنت بر کشور و ملت را از آن «شاه» میداند، و خمینی تنها کسی است که حاکمیت مراجع را بر مردم و کشوریک معنی گرفت.

اسلام میگوید: همانطور که پیغمبر در مقابل خدا مسئول است، شاه هم در مقابل خدا مسئول است، نه بندگان خدا.

تشیع میگوید: مراجع تقلید که خود را اولی الامر میدانند اگر خطائی کنند در مقابل مریدان خود مسئول نیستند و در مقابل خدا مسئولیت دارند، یعنی درست موقعیت شاه در اسلام ولی خمینی خلاف حکم اسلام و حتی تشیع؛ شاه را در مقابل مردم و بخصوص مراجع تقلید مسئول شناخت.

بسیار کوتاه فکری و سهل انگاری است که مخالفت تشیع با شاهنشاه ایران را صرفاً در فلسفه تشیع و کیفیت برداشت از آن و یا اجرای آن جستجو کرد. تحقیق نمیتواند در چنان محدودیتی قرار گیرد که

مسائل جهانی و مطامع کشورها را مورد نظر قرار ندهد و اگر قرار دهد که باید بدهد، آنوقت قبول میکند که تفسیر خمینی از نقش شاه ویا ولی فقیه فاقد آن جامعیت و اثری است که بتواند به تاثیر اقرانی باورهای قلبی و روحی مردم به شاه خلل وارد سازد.



بمنظور درک بهتر موضوع نوشته ای که معلوم نیست نویسنده اش کیست ودر ایمیلی آمده بود و انتقاد و پاسخی که به فرستنده آن ایمیل داده شده را به ترتیب از پایین به بالا در اینجا گنجانده ام.

ح-ک

جناب گرامی

با درود

روشن نیست نویسنده این مطالب کیست ولی لحنی گرایش یافته به سمت روحیه چپ در آن بخوبی نشان داده شده است. ای کاش نام نویسنده را می دانستم.

ولی بایستی گفت هم جشن های دو هزار و پانصد ساله در جهت تقویت روحیه ایرانی و مردم ایران و در جهت «تقدیس نام شاه و شاهنشاهی» بود و باقی خواهد ماند و هم کاری که امسال دوبار توسط محمود احمدی نژاد و رحیم مشابی در پاسداشت نوروز و برگزاری جشن استادیوم صد هزار نفری انجام گرفت... چرا؟؟

من کاری به خسرو معتضد ندارم.. نه عمو و نه پسر عموی من است و نه برادرم، ولی در هر دو صورت حرف درستی نوشته است.

شاه در میان مردم ایران برای سه هزار سال نامی مقدس است در فرهنگ ایرانی که با فرهنگ های دیگر تفاوت دارد شاه در جایگاه خدا می نشیند اگر کسی خدا را بشناسد. هر بار و هر زمانی که شاه حضور داشته است ملت ایران منسجم و یکپارچه عمل کرده است. یک پسر ۱۳ ساله در دوران صفویه که ما آن دوران را دوران ناگواری تاریخ کشورمان میدانیم زیرا آورنده شیعه و توسعه دهنده مذهب بوده است، ولی اگر یک پسر ۱۳ ساله در مقام شاه قرار نگرفته بود کشور ما از هم می پاشید. احمد شاه قاجار در حالیکه پدرش به سفارت روس پناهنده شده است با پس گردنی در کاخ نگهداری می شود تا تمامیت ارضی و استقلال کشور ما حفظ گردد. در هر دو مورد نه پسران ۱۴- ۱۳ ساله بلکه «تقدیس نام شاه» است که کشور را حفظ میکند یک پارچگی را یدک میکشد که چند روز پیش استاد امیرفیض هم به این مورد اشاره کرده بودند.

جشن های نوروزی احمدی نژاد و مشایی هم همانطور که میدانیم جشن های ملی و گرد هم آورنده مردم و یکپارچه کردن آنان بوده است و این برای چهار هزار سال در کشور ما رواج داشته به ویژه که امسال در هر دو جشن از چهار گوشه کشورمان رقصنده و نوازنده های محلی را با لباس های محلیشان شرکت داده بودند. آری ما با رژیم و با احمدی نژاد و دودمانش اشکال بزرگی داریم ولی کار هایی که به تشکل ویکپارچگی ایران کمک میکند ارج می گذاریم... این موضوع سوا از ماهیت غصبی رژیم است. این جا است که بایستی یک میهن پرست بتواند ایران را از رژیم اسلامی تفکیک کند.

حضور رقصنده های محلی در جشن های نوروز امسال احمدی نژاد و مشایبی بنظر من تودهنی به تجزیه طلبان و دهن کجی به مریدان وابسته به بیگانه پرستی و عاملان رژیم هایی که از بیرون در آذربایجان شوروی جلسه های تجزیه طلبانه برگزار میکنند و نقشه تجزیه ایران را می کشند بود.

اگر کسی میخواهد باز هم قضاوت دیگری در نوشته من بکند، مجاز است؛ بکند ولی جایی که ایران مطرح است ماهیت غصبی دولت اسلامی مطرح نیست همانطور که بارها نوشته ام و جناب آقای اردشیرزاهدی هم بارها در گفتگو های خود اشاره تاکید کرده اند ایران حق داشتن اتم و تکنولوژی اتمی را دارد. ولی کسانی هستند که نمی توانند رژیم را از اصلیت ایران و از فرهنگ اصیل ایران و حق ملت ایران تفکیک کنند.

با درودی دیگر

ح-ک

From:] فرستنده ایمیل مشخص بوده که نام برداشته شده است

Sent: Thursday, April 25, 2013 6:58 AM

To: Undisclosed-Recipient;

Subject: For Your Info

eMaile zir be man resideh baraye agahi ersal midaram.

شارلاتانی به نام خسرو معتضد

*یکی از تنوریسین های جشن ۲۵۰۰ ساله شاه در ۴۰ سال پیش، امروز حامی شدید دولت میشود!***

*طنز تاریخ، را می بینید؟! ۴۲ سال پیش در چنین روزهایی، یک به اصطلاح مورخ (که نخستین وظیفه اش، باید استقلال رای باشد)** ضمن تقدیر ویژه از جشن های ۲۵۰۰ ساله، چنان تملق شاه می کند و اصل این کلمه **شاه** را "سحرآمیز" می خواند که انسان مستقل را از شنیدن آن، مضمنز می کند و امروز، و در سال ۹۲، با همان ادبیات، جشن اخیر دولت در ورزشگاه آزادی را وحدت بخش خوانده و مشایبی را عاشق خدمت می داند**.

به گزارش سرویس سیاسی «انتخاب»؛ خسرو معتضد در سخنان امسال در تقدیر از جشن دولت و مشایبی، البته سخنانی بر زبان آورده که بخش هایی از آن، دقیق، به جا و زیباست، اما واقعیت آن است که آیا می توان به سخنان فردی که ۴۰ سال پیش، "ییمان وفاداری با شاه را با خون شرفش عجین کرده" و اینک با همان اغراق از مشایبی تمجید می کند، اعتماد کرد؟

**این فرد، که مدتهاست در شبکه دوم سیما تاریخ پیش از انقلاب را تحلیل و بررسی

می کند، پس از آنکه اسفندیار رحیم مشایی از او برای «تشکیل ستاد اخذ غرامت خسارات ناشی از جنگ های جهانی اول و دوم» دعوت به عمل آورد، از حامیان جدی این مقام دولتی شده است**.

مقصود نگارنده از نوشتن این گزارش، قطعاً «نبش قبر تاریخ» و «بازجویی از چرایی کردار گذشته» نیست (که نه خواست و نه وظیفه ی ماست)، بلکه مقصود اثبات چنین نظریست که چنان افرادی برای تک تک موضع گیری شان، نه حجت عقلی و شرعی که *«درد نان» دارند و فاصله اندرون و برون شان، به سال نوریست. اما عجیب در این میان، قهقه ی نورسیدگان و سرمستان قدرت است که نمی دانند بر گور خود بنشسته و خنده ی مستانه سر می دهند!***

معتضد در سال ۵۰: پیمان وفاداری ما با شاه با خون و شرف ایرانیان عجین شده**

حجت الاسلام رسول جعفریان دو سه سال پیش، یادداشتی از خسرو معتضد را یافت که حکایت از تمایلات متفاوت او به قدرت دارد.**

****بخشی از مطلب آقای رسول جعفریان در پی می آید**:**

«**امشب (جمعه شب ۲ مهر ۱۳۸۹) میان دو نماز مغرب و عشاء، روزنامه جشن شاهنشاهی ایران را که مدتی قبل یکی از نهادها به کتابخانه مجلس اهداء کرده و کنارم بود، باز کرده، میخواندم. این روزنامه در سال ۱۳۵۰ به عنوان روزشمار جشنهای شاهنشاهی انتشار یافته و از ماهها پیش از جشن تا روزهای جشن و پس از آن را پوشش خبری می داد. رویش نوشته است که تیراژ آن به اندازه تمامی روزنامه های کشور است و همراه آنها انتشار می یابد**.

به مورخانی نگاه کردم که تنورسین آن جشنها بودند و در این مجموعه مقاله داشتند. نام خیلی ها را دیدم که برخی سر در نقاب خاک کشیده اند و برخی همچنان به تئوری سازی می پردازند. حقیقت بار دیگر این پرسش برایم مطرح شد که آیا ما جماعت مورخان - که بنده کوچکترین هستم - چه رسالتی داریم؟ نکند غافلیم و هر زمان در پی توجیه امری و دستوری.

در این فکر ها بودم و ورق می زدم که چشمم به نام خسرو معتضد افتاد. دوست نادیده مورخی که شبهای متوالی ایشان را در سیما می بینیم و از داستانهایی که می گوید و بسیار شیرین نقل می کند بهره مند می شویم. دیدم چندین سلسله مقاله در آن روزنامه جشن شاهنشاهی دارد. مقدمه یکی از آنها را می آورم (البته با عرض پوزش از ایشان و این که این سرنوشت نه ایشان که غالب مورخان روزگاران است:

****گفتاری در باب مفهوم «شاه» و رابطه آن با توده ملت****

تأثیر گذاری شاهنشاهان هخامنشی در یکپارچگی و عظمت قوم ایرانی (روزنامه جشن شاهنشاهی ایران، شماره ۳۴، چهارشنبه دهم شهریور ماه ۱۳۵۰)

**** خسرو معتضد ** ۴۰ سال پیش مینوسید: ****

****چندی پیش شاهنشاه آریامهر در طی مصاحبه‌ای با یکی از روزنامه نگاران خارجی اشاره فرمودند که: کلمه شاه جاذبه سحرآمیزی در قاموس ایرانی دارد و بسیاری از مسائل و مشکلات در برابر نفوذ معنوی این کلمه از میان می‌رود.****

****نظر به این که اشاره موشکافانه و دقیق شاهنشاه آریامهر به جاذبه سحرآمیز کلمه شاه مفاهیم و معانی شگرف و مهمی در بر دارد در اینجا ضمن بررسی و تحقیق پیرامون تأثیر گذاری شاهنشاهان بر موقعیتی که میان شاهنشاهان و توده ایرانی از قدیم ترین دوران های تاریخی به طور ضمنی و قلبی به امضاء رسیده است و با خون و شرف ایرانیان عجین گشته است**.....****

****حدس بزنیذ دنبال این عبارت چه مطالبی آمده است**.**

****بنده ایرادم به آقای معتضد عزیز نیست، به سیمایم اعتراضی ندارم، بلکه اصل ایرادم به علم تاریخ است که آلت فعل شده و این اشکال نه از سر بی تعهدی است که گاه به اسم تعهد این کارها صورت می‌گیرد، بلکه از سر نامردی این علم است که بی دلیل خود را راهنمای تمام عیار سیاست و جو سازی تبلیغاتی برای مقاصد منظوره کرده و شماری مورخ را هم که دنبال یک لقمه نان هستند در خدمت خود درآورده است****

****نکته جالب تر، واکنش سراسیمه و خشمگینانه ی معتضد به نوشته ی جعفریان بود که با زبانی گزنده، به همه چیز پاسخ داد الا بیان چنین جملات تملق آمیزی در مورد شاه، آنهم از سوی کسی که این روزها در تلویزیون ، به تحلیل تاریخ پیش از انقلاب می‌پردازد!****

****معتضد در سال ۹۲، اینبار حامی جدی مشایی**!**

****خسرو معتضد حامی شدید جشن های ۲۵۰۰ ساله شاه، در مورد جشن اخیر دولت در ورزشگاه آزادی گفت: همایش دولت در استادیوم آزادی وحدت بخش بود.****

***وی به برنامه های برگزار شده در این همایش اشاره کرد و ضمن رد سیاسی بودن آن، گفت: برگزاری چنین همایش هایی برای تقویت وحدت ملی ایرانیان مفید است**.**

این کارشناس مسائل سیاسی از افرادی که برنامه های شاد مراسم مزبور را زیرسئوال برده اند، این سؤال را پرسید که آیا حذف شادی های مشروع به افزایش افسردگی و اعتیاد در جامعه نمی‌انجامد؟*

***معتضد ادامه داد: این روزها همه برای نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری صف کشیده اند اما من فکر نمی‌کنم اسفندیار رحیم مشایی رئیس سابق دفتر ریاست جمهوری، مثل دیگران علاقه ای به پست ریاست جمهوری داشته باشد و اینها را دیگران برایش درست کرده اند**.**

*او همچنین نقد دولت توسط سایت های منتقد را توطئه برای برهم زدن وحدت ملی کشور دانسته و می گوید: در شرایطی که کشور ما هدف توطئه بیگانگان قرار دارد و هزاران سایت و شبکه تلویزیونی بیگانه در حال سخن پراکنی علیه ایران هستند، پاپوش درست کردن برای یکی از مقامات جمهوری اسلامی از سوی دیگران واقعا تاسف بار است.**

*منبع: <http://www.entekhab.ir/fa/news/107716>

**آنکس که بداند و بداند که بداند **
 **اسب شرف از گنبد گردون بستاند **
 **آنکس که بداند و نداند که بداند **
 **بیدار کنیش که بسی خفته نماند **
 **آنکس که نداند و بداند که نداند **
 **لنگان خرک خویش به منزل برساند **
 **آنکس که نداند و نداند که نداند **
 **در جهل مرکب ابدالدهر بماند **
 **از ابن بزمین **
 **

اما چنین است درکشور ما*
 **آنکس که بداند و بداند که بداند **
 **باید برود غازه بصحرا بچراند **
 **آنکس که بداند و نداند که بداند **
 **بهتر برود خویش به گوری بتپاند **
 **آنکس که نداند و بداند که نداند **
 **با پارتی و پول خر خویش براند **
 **آنکس که نداند و نداند که نداند **
 **برپست ریاست ابدالدهر بماند*